



نشریه علمی - تخصصی بنیاد اندیشه  
سال چهارم، شماره پانزدهم، بهار ۱۳۹۸

## ویژه صلح در افغانستان

صاحب امتیاز: بنیاد اندیشه

مدیر مسؤول: داکتر محمد امین احمدی

معاون مدیر مسؤول: داکتر امان الله فصیحی

سر دبیر: داکتر فرید خروش

هیأت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

احمد علی علی زاده، دین محمد جاوید، داکتر

زکیه عادل، داکتر صادق باقری، عبدالحمید

عارفی، داکتر عبدالله شفیعی، علی امیری، داکتر

علی محمد میرزایی، داکتر غلام سخنی احسانی،

قربانعلی انصاری، محمد توسلی غرjestانی، داکتر

محمد جواد صالحی، محمد سرور جواد، داکتر

محمد شفق خواتی، محمد هدایت.

مدیر اجرایی: رشید محمدی

ویراستار: محمد قاسم الیاسی تُرگانی

طراح جلد: نعمت الله روهان

صفحه آرا: علی جمعه محمدی

فصلنامه اندیشه معاصر در ویرایش مطالب آزاد است. نظرات طرح شده در مقالات الزاماً دیدگاه فصلنامه اندیشه معاصر نیست.

تمام حقوق مادی و معنوی فصلنامه اندیشه معاصر برای بنیاد اندیشه محفوظ است.

استفاده از مطالب فصلنامه اندیشه معاصر فقط با ذکر منبع مجاز است.

قیمت: ۲۰۰ افغانی

## راهنمای تهیه و تنظیم مقالات جهت انتشار در فصلنامه بنیاد اندیشه (الف) شرایط عمومی مقالات

۱. مقالات ارسالی باید بر خوردار از صبغه تحقیقی - تحلیلی، ساختار منطقی، انسجام محتوایی، روش مند، مستند و مستدل بوده با قلمی روان و رسا نگارش یافته باشند.
۲. مقالات ارسالی حتی الامکان تایپ شده و به اداره فصلنامه بنیاد اندیشه ارسال شود و یا فایل آن از طریق پست الکترونیکی به نشانی اینترنتی مجله اندیشه ایمیل گردد.
۳. حجم مقالات حداقل در ۳۰۰۰ کلمه و حداکثر در ۸۰۰۰ کلمه تنظیم شود.
۴. مشخصات کامل نویسنده شامل: نام و تخلص، رتبه علمی، تحصیلات، ایمیل و شماره تلفون تماس همراه با مقاله ارسال شود. مقالات کتابخانه‌ای دارای یک نویسنده و مقالات تجربی یا ساحوی می‌تواند بیشتر از یک نویسنده داشته باشد.
۵. مقالات ارسالی نباید قبلاً در نشریات داخلی، خارجی، سایت و یا به عنوان بخشی از یک کتاب چاپ شده باشند.
۶. با مقالات ترجمه شده، اصل آن نیز ضمیمه شود.

## (ب) نحوه تنظیم مقالات

مقالات ارسالی باید دارای ساختار علمی باشند؛ یعنی دارای عنوان، مشخصات نویسنده یا نویسندگان، چکیده، کلیدواژه‌ها، مقدمه، قسمت اصلی، نتیجه و فهرست منابع باشند.

۱. چکیده: چکیده فارسی مقاله حداکثر ۱۵۰-۱۷۰ کلمه تنظیم گردد. چکیده باید به اختصار شامل: بیان مسأله، هدف پژوهش، روش و چگونگی پژوهش و یافته‌های مهم پژوهش باشد. در چکیده از طرح فهرست مباحث یا مرور بر آنها، ذکر ادله، ارجاع به ماخذ و بیان شعاری خود داری گردد.

۲. کلیدواژه‌ها: شامل حداکثر ۷ واژه کلیدی مرتبط با محتوا که ایفاگر نقش نمایه موضوعی مقاله باشد.

۳. مقدمه: مقدمه مقاله به بیان مسأله تحقیق، پیشینه پژوهش، ضرورت و اهمیت پژوهش، اهداف، جنبه نوآوری بحث، سؤالات اصلی و فرعی، تصویر اجمالی از ساختار کلی مقاله بر اساس سؤالات اصلی و فرعی طرح و مفاهیم و اصطلاحات اساسی مقاله اختصاص می‌یابد.

۴. قسمت اصلی مقاله: چارچوب نظری یا مفهومی، روش تحقیق، مواد شامل شواهد، مدارک، استدلال، تحلیل و نقد و بررسی.

۵. نتیجه‌گیری: نتیجه مقاله بیانگر یافته‌های تفصیلی تحقیق است که به صورت گزاره‌های خبری موجز بیان می‌گردد و پاسخ اجمالی به سؤالات اصلی و فرعی مقاله داده می‌شود و از ذکر بیان مسأله، جمع‌بندی، مباحث مقدماتی، بیان ساختار مباحث، چارچوب نظری، ادله، مستندات، ذکر مثال یا مطالب استطرادی در این قسمت خودداری شود.

۶. نحوه ارجاع دهی

درون متنی: (تخلص، سال انتشار: شماره صفحه) برای مثال: (محمدی، ۱۳۹۰: ۲۲۰)

## (ج) فهرست منابع

۱. کتاب: تخلص، نام (سال انتشار)، عنوان اثر، نام و تخلص مترجم، محل نشر: ناشر.
۲. مجله: تخلص، نام (سال انتشار)، «عنوان مقاله»، نام و تخلص مترجم، نام مجله، سال انتشار، (شماره مجله): صفحات مقاله.

- افغانستان و تقدس‌زدایی از جنگ / داکتر فرید خروش / ۳
- تئوری چهارضلعی صلح؛ چگونه می‌توان با طالبان به صلح رسید؟ / داکتر محمد امین احمدی / ۹
- چالش‌ها و پیش‌نیازهای صلح پایدار در افغانستان / داکتر محمد شفق خواتی / ۲۷
- چرایی توقف و عدم گذار افغانستان در میانه مراحل مختلف صلح‌سازی / داکتر مهدی عارفی / ۴۷
- مختصات صلح در اندیشه شهید مزاری و نگاهی به وضعیت کنونی / داکتر امان‌الله فصیحی / ۶۷
- موانع فرهنگی تحقق صلح در افغانستان / رحمان‌علی جاوید / ۸۵
- بنیان‌های صلح پایدار و عادلانه در قانون اساسی افغانستان / داکتر سید علی مطهری / ۱۱۳
- تأثیرگذاری متقابل حقوق بشر و صلح از منظر حقوق بین‌الملل / داکتر مختار حسین حیدری / ۱۳۵
- جامعه‌شناسی جنگ و صلح / سید آصف حسینی / ۱۵۳
- مؤلفه‌ها، موانع و راه رسیدن به صلح عادلانه در اندیشه شهید عبدالعلی مزاری / محمد جواد برهانی / ۱۷۵
- صلح و امنیت‌سازی در جهان سوم؛ چالش‌ها و راهبردها / داکتر محمد حسین خلوصی / ۱۹۵
- مبارزه با مثلث خشونت؛ راه‌کار تأمین صلح و امنیت / داکتر عبدالحکیم سلیمی / ۲۱۵
- نشانه‌شناسی عکس‌های نشر شده در سایت بی‌بی‌سی از سه روز آتش‌بس با گروه طالبان در راستای صلح / داکتر حسین علی علیزاده / ۲۳۱
- دریافت‌ها از صلح و جامعه / ماکسیمیلیان جید ترجمه: محمد ابراهیم شهاب / ۲۵۱

## افغانستان و تقدس زدایی از جنگ

داکتر فرید خروش\*

مردمانی دارای مهارت بسیار در جنگ؛ اما ناتوان در صلح و تعامل و دیپلماسی. این تعریف کوتاه شاید برجسته‌ترین ویژگی مردم افغانستان باشد. مردم افغانستان از جنگ‌های گذشته‌شان با افتخار یاد می‌کنند؛ اما زمانی که سخن از صلح به میان می‌آید، آنان قادر نیستند در تاریخ کشورشان از پیمان صلحی با افتخار یاد کنند. حقیقت هم همین است که ما در تاریخ افغانستان معاهده صلحی را سراغ نداریم که توسط خود ما مدیریت و بر مبنای منافع کلان ملی کشور ما امضا شده باشد. هریک از معاهدات صلحی که در تاریخ افغانستان به امضا رسیده، بر اساس آن بهترین قسمت‌های این سرزمین از دست رفته و فرجام نهایی آن همین جغرافیای کوهستانی، خشن و محصور در خشکی است که برای مردم افغانستان به میراث مانده است. طنز تلخ تاریخ اما این است که مردم افغانستان زمانی که با افتخار از پیروزی‌های‌شان در جنگ‌های گذشته یاد می‌کنند، نگاه‌شان گزینشی است. یعنی آنان دوست دارند به صورت گزینش شده از بخش‌هایی یاد کنند که برای‌شان خوشایند و نوستالژیک است. قسمت‌های خوشایند حکایت جنگ‌های گذشته افغانستان هم همان خود جنگ، میدان جنگ، مقاتله، قهرمانی‌ها و رشادت‌های سربازان و فرماندهان، و شکست دشمن در میدان جنگ است. اما اینکه فرجام نهایی آن جنگ چه بوده و چگونه منجر به هزینه‌های کمرشکن سیاسی و اقتصادی و از دست رفتن بخش‌هایی از خاک افغانستان شده، قسمت‌های ناخوشایند داستان جنگ است که مردم افغانستان ترجیح می‌دهند آن را در لایه‌های ذهن‌شان پنهان کنند تا سرخوشی افتخار قهرمانی در جنگ‌های گذشته را زایل نکند. اگر از این زاویه به قضیه نگاه کنیم، پس ما شاید در تاریخ افغانستان نه تنها صلح

\* تحلیل‌گر سیاسی و استاد دانشگاه.

با افتخار نداشته‌ایم که حتی جنگ با افتخار نیز داشته‌ایم.

اول؛

همین اکنون که این نوشته را مرور می‌کنیم، یک ماهواره هندی به قصد اکتشاف و مطالعه به دور کره مریخ در حال چرخش است و یک ماهواره دیگر هندی به تازگی به فضا پرتاب شده است تا بر روی کره ماه بنشیند و هند را به چهارمین فاتح قمر درخشان زمین تبدیل کند. هند به عنوان یکی از کانون‌های اصلی تمدن بشری، فراز و فرودهای متعددی را تجربه کرده است. این سرزمین پهناور آخرین بار در دوره امپراتوری مغول‌ها به اوج شکوفایی رسیده بود. اما در اواخر دوره سلسله مغولی، هندوستان آنچنان به ضعف و سستی گرائیده بود که حتی توان دفاع از خود در برابر کمپنی هند شرقی را نداشت. کمپنی هند شرقی زمینه را برای ورود استعمار بریتانیا به شبه‌قاره هند فراهم کرد.

در مواجهه با استعمار انگلیس، هندوستان هوشمندانه‌ترین شیوه مبارزاتی، یعنی مقاومت منفی را برگزید. نتیجه مقاومت منفی از دو جهت برای هند حائز اهمیت بوده است:

۱. در طول دوره مقاومت منفی، هندی‌ها دریافته بودند که نظام حکومت‌داری باقی مانده از دوره مغول‌ها دیگر برای آینده هندوستان کارایی ندارد. بنابراین، آنها حوصله‌مندانه به آموختن مختصات و ویژگی‌های نظام حکومتداری بریتانیا پرداختند و همزمان با آن شروع به جذب دانش و علم مدرن از انگلیسی‌ها کردند.

۲. واضح است که اگر یک میلیارد و دوصد میلیون هندی در مقابل استعمار انگلستان تفنگ برمی‌داشتند، ما امروز به احتمال زیاد یک هندوستان بیمار و ویران شده‌ای را شاهد بودیم؛ نه بزرگترین و باثبات‌ترین دموکراسی روی زمین را. هندی‌ها از تاریخ آموخته بودند که هرگونه جنگی، تمام زیرساخت‌های حیاتی کشورشان را نابود می‌کند. بنابراین، آنان توانستند به این درک برسند که در مواجهه با قدرت عظیم بریتانیا دو انتخاب دارند: «جنگ مسلحانه» و «مقاومت غیر مسلحانه همراهِ با تعامل»<sup>۱۳۹۴</sup>. هندی‌ها از جنگ و توپ و تفنگ پرهیز کردند و گزینه دوم را برگزیدند. به همین سبب در سال ۱۹۴۷ زمانی که استعمار انگلستان شبه‌قاره هند را ترک کرد، وسیع‌ترین شبکه‌های خط آهن، جاده‌های سالم ارتباطی، اقتصاد رو به رشد، نظام حکومتداری پایدار و قوانین نهادینه‌شده در هندوستان بر جای ماند. همین زیرساخت‌های آسیب‌نندیده بود که زمینه را برای ظهور هندوستان قدرتمند امروز فراهم کرد.

در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ افغانستان در مواجهه با بریتانیا در همان موقعیتی قرار داشت که

هندی‌ها قرار داشتند. با این تفاوت که پتانسیل هندوستان که وسعت و جمعیت بزرگی را در اختیار داشت، در برابر بریتانیا بسیار عظیم‌تر از افغانستان بود. ولی افغانستان در تقابل با انگلستان مسیر دوم، یعنی جنگ و مقامت مسلحانه را برگزید. واضح است که در منطق مبارزه با استعمار، چه در آن زمان و چه حتی در حال حاضر، راهی را که افغانستان برگزید، راه درست و صحیح تلقی می‌شود. اما از یک زاویه دیگر، این انتخاب افغانستان را می‌توان مصداق همان ضرب‌المثل معروف خود افغان‌ها نیز به حساب آورد: «زور کم، قهر زیاد». از این حقیقت نمی‌توان چشم‌پوشی کرد که حکومت و مردم افغانستان در مواجهه با بریتانیا روی گزینه دوم، یعنی تعامل و مبارزه غیرمسلحانه، اصولاً اندیشه و تمرکز نکردند. به عبارت دیگر، در جنگ‌هایی که بر ضد انگلیس صورت گرفت، عقلانیت سیاسی و سنجش سود و زیان، و مهمتر از آن، میزان توانایی افغانستان مبنای تصمیم برای جنگ نبود. در نتیجه، سه بار جنگ بر ضد ابرقدرت آن روزگار از یک سو نوعی فضای کاذب قهرمان‌پروری را در کشور تعمیق کرد و از سوی دیگر، بی‌ثباتی پایداری را در کشور حاکم نمود که در حساس‌ترین مقطع تاریخی افغانستان را از جذب و پذیرش علم و دانش مدرن در همه سطوح باز داشت. افغانستان در زمانی وارد سه جنگ ویرانگر علیه بریتانیا شد که در آن روزگار از نظر توسعه با ایران، هندوستان و ترکیه تقریباً در یک سطح قرار داشت. در نتیجه این سه جنگ، فضایی در افغانستان حاکم شد که کشور ما را از مسیری که همسایه‌های ما در جهت کسب دانش و شیوه‌های مدرن در پیش گرفته بودند، منحرف کرد.

دوم؛

هنوز هم ارتباط بین شمال و جنوب افغانستان به تونل و بزرگراهی وابسته است که روس‌ها آن را برای مردم افغانستان ساخته‌اند. روس‌ها در گرماگرم جنگ سرد وارد افغانستان شدند. در اوج رقابت‌های شرق و غرب، روس‌ها برای گشودن راه‌شان به سمت جنوب آسیا، به افغانستان ضرورت داشتند و همین ضرورت افغانستان را برای آنان تبدیل به یک نقطه ژئوپولیتیک کرده بود. شوروی در زمانی به افغانستان آمد که الگوی نظام کمونیستی در سراسر گیتی در اوج قدرت، محبوبیت و شهرت خود قرار داشت. در چنین فضایی، روس‌های برای افغانستان به عنوان یک منطقه استراتژیک برنامه‌های اقتصادی بلندمدت داشت. دقیقاً مشابه همان برنامه‌هایی که در تمام کشورهای آسیای میانه پیاده و تطبیق کرده بود.

مردم افغانستان در مواجهه با شوروی نیز بدون یک محاسبه دقیق سود و زیان، گزینه دوم، یعنی مقاومت مسلحانه را برگزیدند. یک دهه جنگ در برابر شوروی بسیار فاجعه‌بارتر از جنگ در برابر بریتانیا بود. تمام زیربنای اقتصادی و حیاتی افغانستان تخریب شد و بدتر از آن، در یک فعل و انفعال زنجیره‌ای، زمینه ظهور و رشد گروه‌های رادیکال اسلامی در افغانستان فراهم گردید که پس از دوره حکومت



مجاهدین، طالبان به عنوان برجسته‌ترین محصول آن، افغانستان را به سمت فقرا هدایت کرده است. به نظر می‌رسد در مواجهه با روس‌ها، کشورهای آسیای میانه نسبت به ما هوشمندانه‌تر عمل کردند. پس از فروپاشی شوروی، حتی تاجیکستان به عنوان فقیرترین و ضعیف‌ترین جمهوری آسیای میانه، وضعیت به مراتب بهتر از افغانستان دارد.

سوم؛

افغانستان هم‌اکنون در میانه نبردی ویرانگری قرار دارد که شروعش به ۲۰ سال قبل برمی‌گردد. در جنگ فعلی، افغانستان تنها با ابرقدرت جهان، آمریکا، در نبرد نیست؛ بلکه دو دهه است که با چهل و چند کشور در نبرد است. در گذشته فقط خود ما متوجه شده بودیم که ما هرگز از جنگ خسته نمی‌شویم. اما حالا تمام مردم جهان به این نتیجه رسیده‌اند که مردم افغانستان هرگز از جنگ خسته نمی‌شوند.

بیست سال پیش زمانی که جامعه جهانی به رهبری آمریکا وارد افغانستان شد، بر سر اینکه میلیون‌ها دلار پول کمکی هر یک از آن کشورها در کدام بخش از نیازهای افغانستان مصرف شود، رقابت بود. ورود آمریکا و هم‌پیمانانش به افغانستان به مثابه طلایی‌ترین چانس افغانستان بود که می‌توانست به بحران مزمن افغانستان خاتمه دهد و ویرانی‌های دو دهه جنگ قبلی را آباد سازد. اما همانطور که انتظار می‌رفت، در تقابل با آمریکا نیز گزینه اول، یعنی جنگ مسلحانه انتخاب شد. جنگ با آمریکا و جامعه جهانی برای افغانستان فاجعه‌بارتر از جنگ علیه انگلیسی و شوروی بوده است. میلیاردها دلار پول جامعه جهانی که با آن می‌شد پنج بار افغانستان را آباد کرد، هدر رفت. زیرساخت‌های حیاتی کشور تخریب شد. هزاران انسان در ۲۰ سال گذشته به کام مرگ رفتند. مهمتر از همه، این جنگ ۲۰ ساله افراطیت و رادیکالیسم را به پیمان‌های تعمیق کرده است که حتی اگر همین امروز جنگ افغانستان خاتمه پیدا کند، شاید چهار دهه دیگر زمان نیاز داشته باشیم تا آثار مخرب جنگ و افراطیت از ذهن و روان مردم افغانستان زدوده شود.

بنیاد اندیشه  
تاسیس ۱۳۹۴

چهارم؛

تاریخ سه شاخص برجسته را برای مردم افغانستان به اثبات رسانیده است: «مردم افغانستان هرگز از جنگ خسته نمی‌شوند»، «مردم افغانستان با هر دشمنی که روبرو شده است، در به کارگیری عقلانیت سیاسی و محاسبه سود و زیان جنگ و مهمتر از همه در گزینش راه تعامل ناتوان هستند»، و سرانجام «مردم افغانستان قادر نیستند جنگی را که شروع کرده‌اند، به صلح تبدیل کنند». مردم افغانستان در تمام جنگ‌هایی که با خود یا با یک کشور دیگر کرده‌اند، تقریباً هیچگاه قبل از شروع جنگ این سوال بنیادی

را از خود نپرسیده‌اند که آیا بدون جنگ، امکان تعامل و تفاهم با طرف مقابل وجود دارد؟

شاید به همین سبب باشد که کتاب‌های تاریخی ما مملو از حکایت و روایت افتخارآمیز جنگ است. جنگ در ذهن و ضمیر افغان‌ها یک امر مقدس است؛ پس لاجرم تا جایی که برای جنگ زمینه‌ای وجود داشته باشد، صلح یک امر غیر ضروری به شمار می‌رود.

موضوع تقدیس جنگ تنها به کتاب‌های تاریخی ما خلاصه نمی‌شود. در مراکز دانشگاهی و نهادهای تحقیقاتی نیز جنگ و افتخارات واقعی و کاذب آن، گفتمان مسلط است. به همین دلیل هنوز دیپارتمنت صلح و دیپلماسی برای دانشگاه‌ها، استادان، تحصیلکردگان و پژوهشگران کشور ما یک مبحث بسیار کم اهمیت به شمار می‌رود.

با توجه به آنچه که گفته شد، دو دلیل عمده باعث شد که شماره پانزدهم مجله اندیشه معاصر را به مبحث صلح اختصاص دهیم:

دلیل اول خلاء و کمبودی است که در تحقیقات و پژوهش‌ها معطوف به صلح در افغانستان وجود دارد. بطور کلی کارهای پژوهشی در افغانستان بسیار اندک است. اما در میان همان تحقیقات اندک، سهم صلح بسیار ناچیزتر است. واضح است که صلح زمانی در افغانستان تبدیل به یک ارزش و ضرورت می‌شود که نگاه تخصصی به آن داشته باشیم و مختصات و پارامترهای آن را با تحقیق و پژوهش روشن بسازیم و سیاستگذاری‌های ملی را بر اساس آن عیار نماییم. بر همین اساس است که مجموعه مقالات این شماره اندیشه معاصر بخشی از همان نگاه تخصصی به مقوله صلح است که می‌تواند آغازی باشد برای رفع خلاء موجود در این عرصه.

دلیل دوم فضای سیاسی حال حاضر افغانستان است. تلاش‌ها و کوشش‌های همه جانبه‌ای شروع شده است تا به جنگ ۲۰ ساله افغانستان خاتمه داده شود. توقف جنگ و پذیرش صلح فی‌نفسه یک ضرورت بنیادی برای افغانستان است. اما اینکه پس از صلح چه وضعیتی بر افغانستان حاکم می‌شود و این صلح کشور ما را به سمت آینده بهتر و یا به طرف قهقرا هدایت می‌کند، بحثی است بنیادی‌تر. مجموعه مقالات این شماره اندیشه معاصر که مصادف شده است با مذاکرات صلح، می‌تواند در شکل‌گیری نگاه تخصصی و عمیق‌تر به صلح مفید واقع شود.